

در باب ضرورت تحمل و نقش مخالفان در امر توسعه کشور

ضیاء مصباح

کارشناس ارشد علوم اداری

z.mesbah1944@gmail.com

جمهوری اسلامی ایران را قبول نداشته باشند، از همان آغاز انقلاب اسلامی و پیش از پیروزی مورد توجه جامعه ما و گروه های سیاسی بوده و رهبران برجسته انقلاب در این مورد اظهارنظرهایی کرده اند.

به عنوان نمونه رهبر فقید انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در اولین مصاحبه خود با روزنامه لوموند فرانسه اظهار داشتند که ... در جامعه‌یی که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود، زیرا ما اطمینان داریم که اسلام دربردارنده پاسخ نیازهای مردم است. (مجموعه‌یی از مکتوبات، سخنرانی‌ها، پیام‌ها و فتاوی امام خمینی، از نیمه دوم ۱۳۴۱ تا هجرت به پاریس، ۱۴ مهر ۱۳۵۷ گردآوری م. دهنوی انتشارات چاپخش، بهمن ۱۳۶۰).

ایشان همچنین در ۲۰ آبان ۱۳۵۷ در پاسخ نماینده سازمان عفو بین‌الملل که پرسیده بود: آیا در حکومت اسلامی، مارکسیست‌ها آزادی عقیده و آزادی بیان عقیده دارند؟ و آیا در حکومت اسلامی مارکسیست‌ها آزادی انتخاب شغل دارند؟ جواب دادند که در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده ای هستند لیکن آزادی خرابکاری را ندارند. (ندای حق، انتشارات قلم، ص ۸۸ بهمن ۱۳۵۷)

بنابراین مخالفان قانونی، طیف وسیعی از احزاب و گروه های سیاسی را تشکیل میدهند که بعضی از آنها به نظام سیاسی (نظام جمهوری اسلامی) اعتقاد دارند و به آن وفادار می باشند و بعضی از آنها ممکن است نظام سیاسی (و یا اعتقادی و یا هر دو) را قبول نداشته باشند اما در هر حال ملتزم و متعهد به قانون هستند و با برنامه ها و عملکردهای حاکمیت مخالفت می کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های عمده مخالفان وفادار تفکیک حاکمیت از نظر نظام است. اظهارنظر، نقد و بررسی عملکرد حاکمیت و اعتراض و انتقاد از حاکمان، معادل انتقاد از نظام نیست. این حاکمان متخلف هستند که به جای توجه به آرای مخالفان و اصلاح خود مخالفان قانونی را به تعارض یا نظام متهم می کنند.

□ در یک جامعه‌ی قانونمند، «مخالف قانونی»، احزاب و گروه‌ها یا شخصیت‌های سیاسی هستند که فعالیت‌های خود را در چهارچوب اصول مطرح در قانون اساسی و قوانین موضوعه انجام می دهند. مخالفان قانونی معمولاً به کسانی گفته می شود که یا به نظام سیاسی تعریف شده در قانون اساسی معتقد و وفادارند یا اگر به نظام اعتقادی ندارند، باز هم از قانون تمکین نموده و خود را مقید و ملتزم به قانون می دانند.

بنابراین مخالفان قانونی، سیاست براندازی و تغییر قهرآمیز نظام را ندارند بلکه محور اصلی و اساسی فعالیت آنها مخالف با برنامه ها و عملکردهای حاکمیت است. حتی آنهایی که نظام را هم قبول ندارند ولی مبارزه و فعالیت قانونی را پذیرفته اند، هر گونه تغییری در ویژگی های نظام را، از طریق فرایندهای تعریف و پیش بینی شده در قانون اساسی و به طور مسالمت آمیز دنبال می کنند. بنابراین مخالفان قانونی دو گروه عمده می شوند، یک گروه ممکن است نظام را قبول داشته باشد و یک گروه قبول نداشته باشد ولی هر دو گروه با حاکمیت در تعارض می باشند.

حضور و فعالیت احزاب و گروه های سیاسی غیرمعتقد به نظام اما ملتزم به قانون در بسیاری از کشورهای مردم‌سالار با ویژگی های جامعه مدنی، شناخته شده است.

به عنوان مثال می توان از احزاب کمونیست اروپایی نظیر حزب کمونیست ایتالیا یا فرانسه نام برد. این احزاب به جهت اعتقادی معتقد به مارکسیسم هستند و با نظام های سرمایه داری از نوع حاکم بر ایتالیا و فرانسه مخالف می باشند و هدف نهایی اعلام شده آنها، تغییر این نظام‌ها و جایگزین کردن آنها با نظام‌های سوسیالیستی مورد قبول خودشان می‌باشد. اما همین احزاب کمونیست اروپایی پذیرفته‌اند که در چهارچوب‌های قانونی فعالیت کنند. سیاست آنها مبارزه قانونی مسالمت آمیز است نه براندازی و توسل به نیروی قهرآمیز.

حضور و فعالیت مخالفان قانونی، حتی مخالفانی که نظام

ضرورت وجود مخالف قانونی

جامعه ظاهراً صامت و ساکت و تک‌گفتاری تبدیل می‌کند چنین وضعیتی مانع رشد سیاسی و فرهنگی مردم می‌شود. احزاب سیاسی مخالف قانونی موجب رشد و آگاهی جامعه می‌گردند- ارتقا سطح دانش و آگاهی جامعه به میزان فعالیت این نوع مخالفان بستگی دارد. به عبارت دیگر، احزاب سیاسی مخالف، از اجزای اجتناب‌ناپذیر نظام های متکی به جمهوریت و مردم سالاری است. جمهوریت بدون احزاب سیاسی، و فعالیت احزاب سیاسی، بدون حضور فعال احزاب سیاسی مخالف، معنا و مفهومی ندارد و اصلاً جمهوری نیست.

ملزومات و پیامدهای پذیرش مخالف قانونی

اگر حکومت (یا حاکمیت) اصل حضور فعال احزاب سیاسی مخالف را بپذیرد، لاجرم باید به ابزارهای آن که عبارتند از آزادی مطبوعات، اجتماعات، آزادی راهپیمایی، اعتراض و انتقاد و آزادی اعتصاب ملتزم باشد. احزاب سیاسی مخالف، به دلیل اینکه حزب هستند، باید برنامه، اساسنامه مدون و خط مشی و مواضع مشخص و برنامه های سیاسی و اقتصادی ایجابی داشته باشند. حزب مخالف قانونی به معنای آن نیست که فاقد برنامه است و تنها هنرش انتقاد و اعتراض به حاکمیت است، به عنوان یک حزب مخالف قانونی، باید بتواند انتقاداتش را از عملکردهای حکام با صراحت بدون پرده پوشی و ترس از سرکوب و با امنیت کامل بیان کند. حاکمیت نمی‌تواند انتظار داشته باشد که ادعا کند احزاب سیاسی مخالف آزادند و وجود و حضور آنها را پذیرفته است، اما حاضر به تحمل اعتراضات و انتقادات احزاب مخالف نباشد. نه تنها باید آنها را تحمل کند بلکه باید امنیت آنها را در برابر گروه های ستیزه جو و قانون گریز درون حاکمیت یا بیرون از آن تأمین نماید.

لازمه تأمین حقوق و آزادی های مصرح در فصل سوم قانون اساسی تأمین امنیت فعالیت مخالفان است. ابزار اولیه پذیرش فعالیت مخالفان قانونی حمایت از حقوق قانونی این احزاب است.

در شرایط کنونی جهان، حکومت‌ها از ابزارهای نظامی، امنیتی و سیاسی تبلیغاتی فراوانی برخوردار هستند پذیرش واقعی و صمیمانه حضور مخالف قانونی یعنی امکان استفاده این مخالفان از ابزارهای قانونی به همان میزانی که هواداران حاکمیت بهره‌مند هستند امکاناتی که در اختیار دولت و حاکمیت قرار دارد به همه مردم تعلق دارد. بنابراین همه گروه‌ها باید به یک میزان از آن بهره‌مند شوند. به عنوان مثال، اگر به موجب قانون وزارت ارشاد موظف است کاغذ روزنامه را به نرخ دولتی به مطبوعات بفروشد و این فقط برای

هیچ حاکمیتی و هیچ نظامی در دنیا وجود نداشته و ندارد که مخالف نداشته باشد حتی حکومت عدل علی (ع) که از نظر شیعیان امام معصومی بوده است. بنابراین حتی حکومت امام معصوم هم بدون مخالف نبوده است. تا چه رسد به حکام معمولی، از طرف دیگر حکومت‌ها، چه مردمی و چه غیرمردمی مصون از خطا و انحراف و تقصیر و قصور نیستند. حکومت‌ها هم معمولاً حاضر به قبول خطاها و اشتباهات خود و اصلاح آنها نمی‌باشند.

احزاب و گروه های سیاسی هوادار حاکمیت معمولاً از حاکمیت دفاع می‌کنند و قرار ندارند اشتباهات و خطاهای آن را به مردم گوشزد نمایند. سیاست این احزاب در واقع توجیه رفتارها و برنامه‌های حاکمیت مورد تأییدشان می‌باشد. اما این طور نیست که حاکمیت هر کاری که می‌کند یا هر آنچه در کشور می‌گذرد قابل قبول و به مصلحت مملکت و نظام باشد. احزاب سیاسی مخالف یا مخالفان قانونی در واقع زبان اعتراض و انتقاد و نارضایتی مردم هستند. آنچه را مردم نمی‌دانند یا نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به زبان بیاورند، احزاب سیاسی مخالف، بیان و مطرح می‌سازند و به سطح آگاهی جامعه منتقل می‌نمایند.

حکومت‌ها نمی‌توانند انتظار داشته باشند مخالف نباشند و نمی‌توانند نارضایتی و اعتراض مردم را سرکوب کنند. حتی اگر هم در سرکوب احزاب و گروه های سیاسی مخالف موفق بشوند، به معنای آن نمی‌باشد که نارضایتی و اعتراض مردم از بین رفته است و جای خود را به رضایت و موافقت داده است. بلکه برعکس سرکوب اعتراضات، موجب تراکم اعتراضات و تبدیل آنها به نیروی انفجاری و قهرآمیز می‌گردد. بنابراین احزاب سیاسی مخالف، راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز ابزار نارضایتی و اعتراض به حکومت را به مردم ارائه می‌دهند تا با طرح آنها در جامعه، راه های بهبود اوضاع، ترمیم و تبدیل و تغییر حکومت و سیاستها و برنامه‌ها به طور مسالمت آمیز فراهم گردد. در واقع فعالیت احزاب سیاسی مخالف قانونی اثر تعدیل‌کننده را در جامعه دارد.

از طرف دیگر جامعه بشری، یک مجموعه چند بعدی و متکثر است. اختلاف و تکثر فکری، عقیدتی و سیاسی طبیعت جامعه انسانی است. بلوغ و بقای جامعه و رشد و تعالی انسان‌ها به برخورد آراء و عقاید بستگی دارد. احزاب سیاسی مخالف ابزار گفتگو در جامعه هستند. فقدان حضور فعال این نوع احزاب، جامعه را به یک

روزنامه‌های دولتی و هوادار و بله قربان گو و تأییدکننده نباشد، بلکه همه روزنامه‌ها، چه موافق و چه مخالف بتوانند از این حق قانونی به یک میزان بهره برند.

همچنین است استفاده احزاب سیاسی و مخالفان قانونی از امکانات صدا و سیما، و یا مساجد و سایر امکاناتی که از محل درآمدهای عمومی به وجود آمده اند. در ترکیه، که نظامیان لائیک مدتها حاکم بودند، مقررات قانون حکم می کند که به منظور رشد و ارتقای سیاسی مردم و فراهم آمدن ابزار جمهوریت، از احزاب سیاسی حمایت شود. یکی از راه‌های حمایت دولت از احزاب سیاسی پرداخت کمک مالی به احزاب است. جالب توجه این است که حزب رفاه، حزب اسلام گرایی که در نهایت حکومت را در دست گرفت، به موجب همین قانون از کمک های دولتی برخوردار بود و دولت نمی‌توانست از پرداخت آن سرباز زند و تنها هنگامی که دادگاه حزب رفاه را در گذشته‌های نه چندان دور و قبل از کسب اکثریت و در اختیار گرفتن دولت غیرقانونی اعلام کرد. دادگاه حزب را موظف کرد کمک های دریافتی دولت را بازپس دهد.

و اما پیامدهای پذیرش مخالف قانونی: اولین و عمده‌ترین پیامد این پذیرش عبارت از این است که حاکمیت آمادگی داشته باشد و قبول کند که احزاب سیاسی مخالف، با جلب حمایت آراء و افکار عمومی، از طریق فرایندهای قانونی ممکن است جایگزین آنها شده و قدرت را در دست بگیرند.

حاکمیت باید بپذیرد که مساوی و معادل با نظام جمهوری اسلامی نیست، بلکه به موجب قانون اساسی، حاکمیت یک پدیده متغیر و متحول و پویاست. هر چهار سال یک بار مردم حق دارند نمایندگان جدیدی را برای مجلس انتخاب کنند این نمایندگان جدید، رئیس جدیدی را انتخاب می کنند و قوانین جدیدی را به تصویب می‌رسانند و می‌توانند اعضای جدیدی برای شورای نگهبان انتخاب کنند. مردم حق دارند هر چهار سال یک بار رئیس جمهور جدیدی را انتخاب کنند و این رئیس جمهور می تواند وزراء و همکاران کاملاً جدیدی برای خود برگزیند.

مردم حق دارند هر هشت سال یکبار، اعضای مجلس خبرگان رهبری را انتخاب کنند و این نمایندگان می توانند در چهارچوب قانون اساسی رهبری را تغییر بدهند و به دنبال آن رئیس قوه قضاییه، فقهای شورای نگهبان، فرماندهان نیروهای مسلح، همه تغییر پیدا کنند. بنابراین براساس پذیرش حق حاکمیت ملت و بر طبق رکن جمهوریت نظام، مردم حق دارند از طریق انتخابات ادواری حاکمیت را

به طور نسبی یا به طور کامل تغییر بدهند بدون آنکه این تغییرات لزوماً به نظام آسیبی برساند بلکه برعکس این نوع حقوق و این نوع تغییرات خود موجب ثبات و تعمیق ثبات نظام می گردد.

پذیرش اصل فعالیت آزاد مخالفان قانونی به این معناست که از میان احزاب سیاسی مخالف، یک حزب یا ائتلافی از احزاب بتواند با ارائه برنامه های بهتر و با جلب حمایت مردم اکثریت را در مجلس نمایندگان به دست بگیرد در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود و از یک حزب اقلیت مخالف قانونی، به یک حزب یا گروه حاکم تبدیل گردد. و این بزرگترین پیامدی است که حاکمیت باید خود را آماده پذیرش آن بنماید بزرگترین مانع پذیرش فعالیت احزاب سیاسی مخالف از طرف حاکمیت، همین نگرانی از جابه جایی قدرت است. در حالی که بزرگترین نعمت یک نظام و قوی ترین عامل تثبیت یک نظام اسلامی مبتنی بر جمهوریت، همین امکان جابه جایی مسالمت آمیز و قانونی قدرت است.

نکته دومی که حاکمیت باید بپذیرد این است که جابه جایی قدرت به معنای خروج و محو گروه حاکم از صحنه سیاسی نیست. طبیعت نظام مبتنی بر جمهوریت و جابه جایی مسالمت آمیز قدرت این است که گروهی که قدرت را از دست می دهد از حاکمیت بیرون می آید ولی در ساختار قدرت سیاسی کشور، به عنوان یک گروه سیاسی قدرتمند باقی می ماند. و چه بسا به دلیل تجربه هایی که در مقام حکومت و قدرت کسب کرده و اندوخته است بهتر بتواند نقش یک حزب سیاسی مخالف جدیدی را بازی کند. ذکر یک مثال ممکن است مفید باشد. در نیگاراگوا ساندنیستها اصل برگزاری انتخابات آزاد را پذیرفتند و به ابزارهای ضروری آن متعهد شدند و پیامد آن راه، که از دست دادن بخشی از قدرت حکومت بود پذیرفتند. اما همین امر به آنها امکان داد به عنوان یک حزب سیاسی قدرتمند در صحنه سیاسی کشور باقی بمانند و در حفظ تعادل سیاسی حضور موثر داشته باشند. ساندنیستها، به صورت یک حزب و قدرت سیاسی بدیل حضور و موفقیت در جلب حمایت اکثر مردم را مجدداً بدست آوردند.

این نوع پیامدها، یعنی جابه جایی مسالمت آمیز قدرت از عناصر بسیار ضروری و مفید برای رشد و توسعه کشور است. گروهی که بر سر کار است، در هر حال چون می داند اگر به نارضایتی مردم بی اعتنائی کند، مردم به او رأی نخواهند داد مجبور است با ارائه خدمات رضایت مردم را جلب کند و گام های موثری برای ملت بردارد. و چون احزاب سیاسی مخالف قانونی حضور دارند و از امکانات و ابزارهای لازم برخوردارند، حاکمیت نمی تواند ظاهرسازی کند، پیشرفت های

دروغین را تبلیغ نماید، و اگر در جایی، فسادی در ارکان حکومت بروز کند آن را پنهان سازد.

در طرف دیگر، حاکمیت هر قدر هم قصد خدمت داشته باشد و با تمام نیرو خدمت کند، چون نمی تواند تمام توقعات مردم را برآورده نماید، مردم ممکن است به امید دریافت خدمات بهتر و بیشتر، به حزب یا احزاب مخالف روی بیاورند و به آنها رأی بدهند. اما حزب مخالف هم وقتی حاکم می شود در هر حال نخواهد توانست تمام توقعات و انتظارات را تأمین نماید، اما به اجبار گامهایی در جهت بهبود وضع سیاسی و اقتصادی مردم بر می دارد و خدماتی را ارائه و اصلاحاتی را انجام می دهد خود این امر یعنی به وجود آمدن فرایند مسابقه در خیرات و خدمات به مردم. بدین گونه است که راه رشد و توسعه هموار می گردد.

خط سرخ‌ها برای احزاب مخالف قانونی کجاست و چیست؟

خط سرخ را می توان از دو نوع دانست، یک دسته خط سرخ‌های قانونی مشخص و نوشته شده و یک دسته خط سرخ‌های نانوشته ولی ضروری برای رعایت آنها.

خط سرخ از نوع گروه اول، مقررات قانونی برای حاکمیت و برای احزاب سیاسی مخالف است. حاکمیت باید بداند و بپذیرد که اگر تسلیم قانون نشود، و رعایت آن را وجه همت خود قرار ندهد و حق مردم را در طرح ایراد و نصیحت زیر پا بگذارد، دیر یا زود خود و نظام را به ورطه سقوط می کشاند. از رسول گرامی (ص) نقل است که اولی الامر خود را با امر به معروف و نهی از منکر بسنجید. امروز معروف دعوت به قانونمندی و قانون‌گرایی است. قانون اساسی میثاق میان مردم و دولت است. نقض تعهدات از طرف حاکمیت، به طور یک طرفه، موجب بحران مشروعیت و مقبولیت حاکمیت می گردد. تا آنجا که به احزاب مخالف مربوط می شود، باید توجه کرد که هر مبارزه ای قانونمندی خاص خود را دارد. در دوران استبداد سلطنتی، برخی از گروه‌ها و سازمانها مبارزه قهرآمیز مسلحانه را انتخاب کرده بودند. این نوع مبارزه نیازمند سازماندهی مخفی ویژه‌ای است. مبارزه قهرآمیز و سازماندهی مخفی قانونمندی خود را دارد. که هرگاه از آن تخطی شود سازمان و مبارزه لطمه جدی می خورد و چه بسا نابود می گردد.

مبارزه سیاسی علنی قانونی نیز قانونمندی خود را دارد. هر نوع تخلف در این مقررات به نابودی مبارزه علنی منجر می گردد.

ابتدایی ترین و اصولی ترین قانونمندی این است که حرکت سیاسی در چهارچوب قانون اساسی و قوانین موضوعه صورت گیرد. یک حزب ممکن است از حیث اعتقادی و آرمانی به یک اصل قانون اساسی اعتقاد نداشته باشد اما وقتی شیوه مبارزه قانونی مسالمت آمیز را پذیرفته است و خود را به قانون اساسی ملتزم می‌داند، این تعهد و التزام باید صادقانه و صمیمانه باشد. اظهار عقیده آزاد درباره یک اصل قانونی یک چیز است و التزام به قانون امر دیگری است می توان با یک اصل مخالف بود اما در عین حال به آن التزام داشت.

اما خط سرخ نانوشته عبارت است از تدبیر و فرزانگی سیاسی، هم برای حاکمیت و هم برای احزاب سیاسی مخالف قانونی.

یک حزب سیاسی مخالف ممکن است در حرکتی، به نحوی از انحاء، خط سرخ قانونی را زیر پا بگذارد. اینکه واکنش حاکمیت چه باید باشد و چگونه، تابع فرزانگی تصمیم‌گیرندگان است. از طرف دیگر، احزاب سیاسی مخالف نیز می توانند در چهارچوب مقررات فعالیت های قانونی داشته باشند اما شتاب حرکت، نوع مطالبی که عنوان می شود نیاز به تدبیر سیاسی دارد. هر نوع حرکت سیاسی قانونی لزوماً مدیرانه نیست. اصطلاح چپ روی بیمارگونه، در واقع بیان دیگری از این واقعیت است.

بسیاری از شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌های مخالف در کشورهای جهان سوم، از جمله ایران قادر نیستند حرکت خود را با آهنگ حرکت کل جامعه تنظیم نمایند. بنابراین گاهی آن چنان تند می روند که از مردم فاصله می گیرند و تک سواران پرشتاب می‌شوند.

شرایط جامعه کنونی ایران ما، بیش از هر زمان، پرهیز از تندروی‌های عاطفی و به کارگیری تدبیر سیاسی را از همدلی طرفه‌ای درگیر می پذیرد. در جهان سوم، به قول پوپر، تشبیت و رشد دموکراسی همان اندازه که به عملکرد حاکمیت وابسته است به عملکرد روشنفکران و مخالفان سیاسی نیز بستگی پیدا کرده است.

این خط سرخ را نمی توان در قوانین موضوعه پیدا کرد.

حاکمیت اگر اصل فعالیت احزاب سیاسی مخالف قانونی را می‌پذیرد، لاجرم باید تعهدات قانونی خود را همراه با درایت رعایت نماید و هنگامی که چنین پذیرشی صورت خارجی پیدا می کند و حاکمیت به فعالیت آزاد همه احزاب سیاسی اعم از موافق و مخالف تن در می دهد، احزاب سیاسی، اعم از موافق حاکمیت یا مخالف آن نیز لاجرم باید چهارچوب‌ها، نوشته و نانوشته را به خاطر یک اصل بزرگتر، یعنی ایجاد یک جامعه مدنی قانونمند که همه بتوانند در آن به راحتی و با امنیت تنفس کنند، رعایت نمایند. ■